

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محسن ارجمند
سر دبیر: حبیب‌الله قاسم‌زاده
زیر نظر هیئت تحریریه

مسئول اجرایی: افسانه شایسته‌آذر
طراحی جلد: فاطمه پاشاخانلو
مسئول هنری و صفحه‌آرا: معصومه دلنواز
مسئول فروش و اشتراک: افسانه شایسته‌آذر

بها: ۴۵۰۰ تومان

دفتر نشریه و مرکز فروش:
تهران، بلوار کشاورز، بین خیابان
کارگر و ۱۶ آذر، پلاک ۲۹۲
تلفن: ۸۸۹۷۷۰۰۲ - ۸۸۹۷۹۵۴۴
Email: baztabedanesh@gmail.com

بازتاب

نشریه‌ای درباره شناخت، مغز و رفتار



دوره نهم، بهار و تابستان (۱۳۹۳)،
شماره‌های ۳۱ و ۳۲

هیئت تحریریه

دکتر محمدرضا باطنی
زبان‌شناس
دانشگاه تهران

دکتر خسرو پارسا
جراح مغز و اعصاب

دکتر بیژن جهانگیری
فارماکولوژیست
دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر احمد جلیلی
روان‌پزشک
دانشگاه علوم پزشکی تهران

حسین حسین‌خانی
نویسنده و ناشر

دکتر محمدرضا زرین‌دست
فارماکولوژیست
دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر وناداد شریفی
روان‌پزشک
دانشگاه علوم پزشکی تهران

غلامحسین صدری‌افشار
نویسنده و مترجم

دکتر اصلان ضرابی
روان‌پزشک
(۱۳۹۰ - ۱۳۰۷)

دکتر جمال عابدی
روان‌شناس
دانشگاه کالیفرنیا، دیویس

دکتر حسن عشایری
روان‌پزشک
دانشگاه علوم پزشکی ایران

دکتر محمود عبادیان
استاد فلسفه و ادبیات
دانشگاه علامه طباطبایی
(۱۳۹۳ - ۱۳۰۷)

دکتر رامین مجتبابی
روان‌شناس و روان‌پزشک
دانشگاه جانز هاپکینز

دکتر آذرخش مگری
روان‌پزشک
دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر غلامرضا میرسپاسی
روان‌پزشک
دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر عبدالرحمن نجل‌رحیم
نورولوژیست
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

دکتر تورج نیرنوری
جراح مغز و اعصاب

دکتر رضا نیلی‌پور
زبان‌شناس
دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

فهرست:

- ۳ سخن سردبیر.....
حبیب‌الله قاسم‌زاده
- ۶ اکسی‌توسین: هورمون اعتماد
بیژن جهانگیری
- ۱۱ چرا داماسیوی عصب‌شناس در جست‌وجوی اسپینوزای فیلسوف است؟
عبدالرحمن نجل‌رحیم
- ۲۱ رابطه‌ی زیبایی و مغز: عصب-زیبایی‌شناسی.....
علی عیسی‌زادگان
- ۲۹ نگاهی به رابطه‌ی اختلال‌های رشدی و خاستگاه تکوینی زبان
رضا نیلی‌پور
- ۳۲ معرفت‌شناسی تکوینی.....
ژان پیاژه/ ترجمه و تدوین: حبیب‌الله قاسم‌زاده
- ۴۰ رفتاردرمانی شناختی و عصب‌پژوهی، آشتی یا قهر؟
وحید ملک‌پور
- ۴۷ دیدگاه‌های نوین در مقابله با بیماری ایدز
توری دی‌انجلیس / ترجمه و تدوین: اکرم خمسه
- ۵۱ خاطراتی از استاد.....
حبیب‌الله قاسم‌زاده/ علی اصغری مقدم
- ۵۵ پرسش و پاسخ.....
سوزان فیسک / ترجمه: شهناز ایزدی
- ۵۷ معرفی کتاب
جان موریل / ح.ج

سخن سردبیر

سال گذشته میلادی، مصادف بود با صدمین سالگرد انتشار مقاله معروف جان برودس واتسون (John Broadus Watson) تحت عنوان «روان‌شناسی، آن‌گونه که رفتارگرا می‌نگرد یا روان‌شناسی از دیدگاه رفتارگرا» (۱۹۱۳). بسیاری، این مقاله را بیانیه یا اعلامیه رفتارگرایی می‌دانند. این اثر را امروزه، یک اثر کلاسیک می‌دانیم، چرا که مسیر تفکر و روش‌مندی در روان‌شناسی را تغییر داد و شیوه جدیدی در پرداختن به موضوع‌های روان‌شناسی ارایه کرد. این مقاله یازده صفحه‌ای، با پاراگراف زیر آغاز می‌شود که درواقع، جوهر نگرش واتسون را به روان‌شناسی نشان می‌دهد:

روان‌شناسی، آن‌گونه که رفتارگرا می‌نگرد، شاخه کاملاً تجربی و عینی علوم طبیعی است. هدف نظری در آن، پیش‌بینی و کنترل رفتار است. نه درون‌نگری، لازمه روش‌های آن است، و نه ارزش علمی داده‌ها در آن، وابسته به توجیه‌پذیری و تفسیر آن‌ها در چهارچوب آگاهی است. رفتارگرا در تلاش خود برای دستیابی به طرحی یک‌پارچه درباره پاسخ حیوانات، هیچ مرز متمایزکننده‌ای، بین انسان و حیوان قایل نمی‌شود. رفتار آدمی، با همه ظرافت و پیچیدگی، فقط بخشی از طرح کلی تحقیق از دیدگاه رفتارگرایی را تشکیل می‌دهد... به‌نظر می‌رسد وقت آن رسیده است که روان‌شناسی هرگونه توجه و استناد به آگاهی را کنار بگذارد و خود را بیش‌ازاین، با اندیشه قرار دادن حالت‌های ذهنی به‌عنوان موضوع مشاهده، فریب ندهد.

واتسون در سال ۱۸۷۸ در ترولرزست (Travelers Rest) ناحیه زراعی در کارولینای جنوبی به‌دنیا آمد. تربیت او را عمدتاً مادر عهده‌دار شد - زنی با عقاید مذهبی قوی. پدر واتسون الکلیک بود و جایگاه مهمی در خانواده و تربیت وی نداشت. چند سالی از زندگی جان گذشته بود که مادر مزرعه را فروخت و

به شهر گرین‌ویل مهاجرت کرد. واتسون در آن‌جا به تحصیلات خود ادامه داد و وارد دانشگاه فورمن (Furman) شد. او با سعی و تلاش فراوان توانست در سن ۲۱ سالگی، کارشناسی ارشد خود را در رشته فلسفه بگیرد. این دوره از زندگی واتسون، با سختی‌هایی همراه بود و مجبور بود برای امرار معاش و تأمین هزینه دانشگاه، کارهای مختلفی انجام دهد. علاقه به فلسفه جان دیویی (John Dewey)، واتسون را به دانشگاه شیکاگو کشاند. اما طولی نکشید که تحت‌تأثیر انجل (Angell)، به سمت روان‌شناسی تجربی گرایش پیدا کرد و درعین‌حال، از آموزش‌های هنری هربرت داندلسون (Henry Herbert Donaldson) و جیکس‌لوب (Jacques Loeb) در زمینه‌های فیزیولوژی و نورولوژی بهره گرفت و پس از سه سال، (در سال ۱۹۰۳)، موفق به اخذ درجه دکترا از دانشگاه شیکاگو شد. موضوع رساله او عبارت بود از: «آموزش حیوانات: بررسی تجربی (آزمایشگاهی) رشد فیزیکی در موش‌های آزمایشگاهی در ارتباط با رشد دستگاه عصبی» که زیر نظر داندلسون و انجل نوشته شد. او در این کار تحقیقی، به بررسی همبستگی بین افزایش پیچیدگی رفتار با میلینه‌شدن مغز موش‌های آزمایشگاهی پرداخت و به این نتیجه رسید که عوامل کنیستتیک، بیش‌ترین اثر را در یادگیری ماز دارد.

واتسون در سال ۱۹۰۸ به‌عنوان عضو هیئت علمی، وارد دانشگاه جانز هاپکینز شد و کرسی روان‌شناسی را در آن‌جا پذیرفت و هم‌چنان به کارهای آزمایشگاهی خود با حیوانات ادامه داد و مدتی نیز با مرکزی درباره طراحی اسبابی برای سنجش بینایی حیوانات همکاری داشت. شهرت و معروفیت واتسون از زمانی آغاز شد که در سال ۱۹۱۲ در دانشگاه کلمبیا به سخنرانی پرداخت. عنوان سخنرانی «روان‌شناسی، آن‌گونه که رفتارگرا می‌نگرد» بود که یک سال بعد (۱۹۱۳) در مجله معتبر *Psychological Review* به‌چاپ رسید. واتسون همان سال، مقاله دیگری منتشر کرد که به تصاویر ذهنی و هیجان مربوط می‌شد. در این مقاله، تصاویر ذهنی به پاسخ‌های زبانی ناآشکار